

انواع مالکیت

مالکیت الهی

مالکیت فرد

مالکیت جامعه

حقیقی همه اشیا ذات بآك اوست و هیچ فردی در برابر ذات بی کمثای او مالک چیزی نیست. آیات زیر به این حقیقت علمی اشاره می نماید:

«بینه ملك السموات و الارض و ما بینهم» (سوره مائده آیه ۱۷)

«لله ملك السموات و الارض و ما فیهن» (سوره مائده آیه ۱۲۰)

و آنچه که در آنها است متعلق به خداست.

با مراجعه به آیات قرآن و احکام شرعی و فلسفی روشن میشود که مالکیت را بر سه نحوه می توان تقسیم کرد. و این سه نوع مالکیت، در طول تاریخ نگهنگرد و هیچگونه تراحم و کفایتی باهم ندارند بلکه هر یک مکمل دیگری می باشد اینک توضیح این سه نوع مالکیت:

۱ مالکیت الهی: از آنجا که جهان آفریده خداست و هیچ چیز بر روی زمین و آسمان اوست تا این صورت همه جز آن مالک خدا بوده و مالک

۲- خدایان انسان را آفرید و ثروت چهارزاد اختیار او نهاد و در حقیت آمارا به خلقت در این زمینها گماشته و حقوقی برای آنها در این اموال قائل شده و جرمتی بخریم اموال آنها داده که اموال آنها را از دستبرد و تعدی دیگران حمایت کند و این حق و حرمت حاکم چیرف است که ما از آن به «مالکیت فردی» تعبیر کردیم و در حدیث به آن تصریح شده که **«المال من سلطان علی اموالهم»**

۳- ولی این استحقاق و تسلط همیشه در اسلام مشروط به وظیفه و مسئولیتی است که فرد نسبت به جامعه دارد و بموجب این وظیفه این اموال باید از مسیر خدمت به جامعه منحرف نشود و به همین لحاظ این اموال نوعی انشایب بجامعه انسانی پیدا میکند که بموجب همین انشایب اسلام مصرف و نحوه مصرف این اموال را تعیین می نماید ، و ما از این انشایب مجازا به «مالکیت جامعه» تعبیر کردیم.

برای توضیح بیشتر در این باره توجه خواننده محترم را با به پنج آیه سوره نساء جلب میکنیم .
(و لا تقو نوالسهباء اموالکم الی الی جعل الله لکم قیاما) (۱)
 در این آیه قرآن کریم از اینکه اموال شما را در اختیارشان بگذارند منع میکند و به مؤمنان دستور میدهد که اموال شما را برای آنها نگهداری کنند .
 جالب توجه در آیه این است که اموال در دو دسته

۱- اموال آنها را که قوام زندگی شما است به دست سفیهان ندهید (نساء : ۵)

و کفارات .
 و در قسمت دوم گفته اسلامی بر مالکیت محدودیت مانی در نحوه تصرف در مال خود قائل شده است که صرف مالکرا در مال خودد مسر معنومی که بحال جامعه مفید باشد مجازد چون تحریم زنا و قمار و قتل و در خرید و فروش و ازداد کردن ثروت از جریان در بازارهای مسلمین (احتکار و ممانع آن) .
 آیه و ذکره از این نظر قابل تأمل و مطالعه است .

« الذین یکنزون الذهب و الفضة و لا ینفقو نهایی سبیل الله فیرهم بعداب الهم یوم یحیی علیها فی نار جهنم فتکوی بها جهنم و جنویم فی ظهروهم هذا ما کنزتم لانیکم فذوقوا ما کنتم تکنزون »
 (کسانی که در زمین ها، نوزاد و در را خدا انفاق نمیکنند و در آتش جهنم میگذارند و پیشانی و پشت و پهلوهای ایشان را با آن داغ میکنند و با آن میگویند که این همان روزی است که میباید خود را بچسبید عذاب الهی را که میان دو خنجره . (نوبه : ۲۴-۲۵)

مطالبات شرعیهای دیگر

بسیار از متکبران و غیبتگان معاصر اسلامی سألند گفتند و میانه دوی نظریه اسلامی را در مالکیت نسبت به دو مکتب کابینا میس و کمونیس از زاویه عاقل دیگری استنتاج کرده اند و مشکل دیگری مطرح کرده اند .